



زبان کردی

از سنت شفاهی تا زبان نوشتاری

جمال نه‌به‌ز

ترجمه از انگلیسی: حمزه محمدی*

برایم جای بسی خوشحالی است به ویژه برای همه کسانی که صادقانه علاقمند به رهایی زبان کردی سرکوب شده هستند، که این کنفرانس بین‌المللی برگزار می‌شود. آن برخی مفاهیم عملی و رویکردهای آینده در مورد زبان کردی را روشن خواهد کرد. به عنوان یک مستشرق، همچنین به عنوان یک فرد غیر ایدئولوژیک، و به عنوان کسی که حدود چهار سال با پروبلماتیک چند وجهی زبان، تاریخ و فرهنگ کردی آشنا و درگیر بوده است، معنا، ارزش و ضرورت رویدادهای نظیر این کنفرانس را درک می‌کنم و آنرا ارج می‌نهم. در این فرصت از انستیتو کرد پاریس و دانشگاه سوربن به خاطر تلاش برای فراهم کردن زمینه و امکان برگزاری این همایش سپاسگزاری می‌کنم. امیدوارم که این همایش اولین و آخرین رویداد از این دست نباشد، بلکه نقطه شروع جاده دراز و طولانی پژوهش و غناسازی زبان کردی باشد، زبانی که چهار میلیون انسان بی‌دولت و در یک وضعیت مخاطره‌انگیز با آن صحبت می‌کنند.

افراد دانشگاهی که فارغ از تعصب و جانبداری، تاریخ کرد را مطالعه می‌کنند بر این نظر، که کردها یک نژاد باستانی هستند، اجماع نظر دارند. کردها بیش از هزاران سال است - حتی بیشتر از آنچه که اسناد نوشتاری منعکس می‌کنند - در یک سرزمینی که به عنوان «گهواره تمدن انسانی» توصیف شده است، زندگی می‌کنند. با بررسی اسطوره‌شناسی یهودی و اسلامی درمی‌یابیم که قله کوه «جودی» محل فرود کشتی نوح در کردستان قرار داشته است، همچنین از تاریخ درمی‌یابیم که در سرزمین کردها و قلمروهای اطراف آن تمدن‌های پیشرفته زیادی وجود داشت، نظیر مزوپتامیا، هیتی‌ها، هوری‌ها، کاردوخی، میتان‌ها، پارتی‌ها و ساسانیان. به علاوه، برخی از ادیان عمده جهان در سرزمین کردها قرار داشته‌اند، نظیر میترائیسم (آیین پرستش خورشید)، مزدایسم (آیین زردشتی)، ادیان رمزی، یهودیت، مسیحیت، مانویت و اسلام. حتی امروز برخی از اجتماعات مذهبی تلفیقی نظیر ایزدی‌ها، کاکه‌ای (یارسان، یا اهل حق)، علوی، شبک، سارایی، باجلان، حقه و غیره، در کردستان

* کارشناس ارشد مردم‌شناسی

وجود دارند، که همه آنها این واقعیت را آشکار می‌کند که کردها دارای یک میراث فرهنگی غنی هستند. قبل و بعد از ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی، کردهای مسلمان در بنیان‌گذاری سلسله‌های عربی، ایرانی و ترکی فارغ از قوم‌گرایی و تعصب که کمتر در میان سایر جوامع دیده می‌شود، مشارکت داشتند. چند نمونه محدود را ذکر می‌کنیم: پی‌ریزی سلسله عباسی به واسطه تلاش انقلابی کرد «ابومسلم خراسانی» در سال ۷۵۰م، صلاح‌الدین ایوبی (۱۱۹۳-۱۱۳۷ م) و غلبه بر فلسطین در خلال جنگ‌های صلیبی در قرن دوازدهم، پایه‌ریزی سلسله صفوی (۱۷۳۶-۱۵۰۱/۲ م) در آغاز قرن شانزدهم به وسیله شاه اسماعیل پسر شیخ صفی‌گُرد، مرشد (رهبر) یک فرقه از دراویش و سرانجام، البته نه به عنوان آخرین، پایه‌ریزی امپراطوری عثمانی که مورد حمایت اکثریت امیرنشین‌های مستقل کرد بود. بعد از جنگ مشهور چالدران که در آن عثمانی‌ها با کمک کردها، ایرانیان را شکست دادند، کردها به طور رسمی در سال ۱۵۱۵م با عثمانی‌ها هم‌پیمان و متحد شدند بدین گونه امپراطوری عثمانی تأسیس شد.

موفقیت‌های نظامی و سیاسی کردها به نفع همسایگان‌شان نبود، همکاری‌های چشمگیر ادبا، محققان و هنرمندان کرد در غنی‌سازی فرهنگ ایرانی و عربی، و همکاری آنها در تقویت آیین اسلام بسیار جالب توجه بود. غزالی، پژوهشگر مسلمان چهار گروه از جماعات را به عنوان «ارکان استواری اسلام» معرفی کرده است، سومین گروه کردها هستند. این واقعیت که کردها قرن‌هاست برای پایه‌گذاری دولت خودی یا ترویج و توسعه زبان کردی تلاش چندانی نکرده‌اند، ما را متوجه دخالت بیگانگان می‌کند. مورخ ترک عثمانی «شمس‌الدین سامی» در پایان قرن در کتاب خود «قاموس العالم» [فرهنگ نامها] می‌نویسد:

«همه دانش‌آموختگان کرد مطالب خود را به زبان عربی و فارسی می‌نوشتند، در همین حال از زبان خود غافل بودند».

به عنوان یک نمونه؛ پژوهشگر و محقق مسلمان کرد شیخ معروف نودی برزنجی (۱۸۳۸-۱۷۳۳) یکی از چهل و شش نویسنده نامدار کرد بود که با زبان فارسی و عربی کار می‌کرد. این کارها در حوزه‌های فقه، اخلاق، خداشناسی، نجوم، فلسفه و ادبیات بود. نودی برزنجی در طول هشتادوپنج سال عمر خود تنها یک کتاب به زبان کُردی نوشت. این کتاب یک فرهنگ لغت عربی - کردی بود که شامل چند صد واژه بود. برزنجی در دیباچه این کتاب به زبان فارسی در مورد دلیل نگارش این کتاب چنین می‌نویسد: من به او یادآور می‌شوم: بدین دلیل که پسر من احمد، لغات عربی را آسان‌تر فراگیرد. به همین جهت نام آنرا «احمدیه» گذاشته‌ام.

مسأله جالب توجه آن است که در داخل امیرنشین‌های کردنشین که به وسیله خاندان مستقل کرد اداره

می‌شدند، به عنوان مثال، نظیر حسنوی (تأسیس به سال ۱۹۵۹) دوستکی (۱۰۹۶-۹۹۰ م.) و... زبان کردی به عنوان زبان نوشتاری رسمی به کار برده نمی‌شد. با این حال، آن به عنوان زبان اصلی مردم باقی ماند و وسیله اصلی ارتباط مابین مردم و حاکمانشان بود. این فراموشی و فقدان دلبستگی به زبان کردی پیامدهای منفی برای کردها به همراه داشت که اثرات آن امروز هم محسوس است. به طور کامل روشن نیست که چرا دانش‌آموختگان کرد سرمایه روشنفکری [فکری] خود را برای کشورهای دیگر هزینه کردند، در این مقاله مختصراً به این موضوع می‌پردازیم، با این توضیح که این مسئله به فصل دیگری مربوط است، فصلی که به این سؤال می‌پردازد که چرا دانش‌آموختگان کرد قادر نبودند و یا [تمایل نداشتند] که سرمایه‌های دیگران را به منظور هر چه بیشتر «عربیزه» یا «فارسیزه» کردن مردم کرد به کردستان وارد کنند. به هر حال، اگر کسی در مورد خصوصیات خودش نتواند چیزی بگوید، یا نتواند علایق و منافع خود را تعقیب کند؛ دیگران این کار را برای او انجام می‌دهند و اغلب هم این کار را نادرست انجام می‌دهند. بنابراین از آن زمان به بعد تبیینات خیالی در مورد خاستگاه و ارزش زبان کردی ارائه شد. من در این مقاله به طور مختصر به این موضوع می‌پردازم: در حدود هزار سال مورخان عربی، به طور مثال، نظیر المسعودی (فوت به سال ۹۵۶/۷ م.)، ابن حوقل (فوت در حدود ۹۷۷ م.) و... ادعا کرده‌اند که کردها از تبار شجاع و با شهامتی هستند. فردوسی شاعر حماسی فارس (۱۰۲۰-۹۳۲ م.) از کردها به عنوان دودمان آن دسته از جوانانی که از دست ضحاک ظالم در امان مانده بودند و موفق شدند که به کوهها پناه ببرند، یاد کرده است. خواجه سعدالدین (۱۵۹۹-۱۵۳۷ م.) مفتی کرد در امپراطوری عثمانی، در کتاب «تاج التواریخ» خود می‌نویسد:

«از جانب پروردگار مقرر شده است که کردها نمی‌توانند برای خود دولتی داشته باشند، زیرا روزی روزگاری یک مرد جنگجو با هیبت به حضور حضرت محمد رسید. حضرت که دلواپس و نگران بود، در مورد جایی که از آن آمده بود سؤال کرد. مهمان با یک حالت دوستانه و احترام‌آمیز جواب داد که او یک کرد است. حضرت سرش را به طرف آسمان بلند کرد و فرمود: خدایا نگذارید که کردها با هم متحد شوند؛ اتحاد و همبستگی آنان باعث نابودی و ویرانی جهان خواهد شد.»

توهین و بی‌احترامی به هویت و زبان کردی تا حدود زیادی در این شعر عامیانه منعکس شده است (از زبان فارسی ترجمه شده است):

عربی آغاز و فرجام هر چیزی است
فارسی شکر است
ترکی هنر است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

کردی گوز خر است

بی‌توجهی روشنفکران کرد به زبان کردی باعث به وجود آمدن اسطوره‌ها و افسانه‌های زیادی در مورد آن شده است. یک نمونه از موارد متعدد را برای یادآوری ذکر می‌کنم. بهاء‌الله موسس دین بهایی (۱۸۹۲-۱۸۱۷) که دو سال در کردستان (۱۸۵۴-۵۶) با نام و عنوان مستعار «درویش محمد» زندگی می‌کرد، زبان کردی را «زبان آدم» نامید. او ادعا کرد که حضرت آدم با زبان کردی تکلم می‌کرد، زیرا به اعتقاد وی «زبان کردی» دستور زبان نداشت. بهاء‌الله در این که حضرت آدم با چه زبانی با نو عروس خود «حوا» صحبت کرده است، اظهار نظر نکرده است. دانستن این نکته که با چه زبانی تکلم می‌کرد قابل بحث و جالب توجه است؛ حضرت بهاء‌الله این مسأله را برایمان روشن نکرد.

زبان یک محصول فکری - ذهنی انسانی است. بیشتر زبان‌ها (به استثنای اسپرانتو) به طور شفاهی بعنوان وسیله‌ای برای تجارت و ارتباط به وجود آمدند. شرایط تاریخی باعث می‌شود که یک زبان شفاهی به یک زبان نوشتاری توسعه یابد. این شرایط تحت تأثیر عوامل اجتماعی قرار داشته است. در برخی مواقع عوامل دینی، گاهی اوقات عوامل سیاسی در مواقع دیگر عوامل اقتصادی یا روان‌شناختی و یا ترکیبی از همه عوامل نقش تعیین کننده داشته است. این بر ما روشن است که عامل دین نقش مهمی در دوران گذشته بازی می‌کرد؛ اولاً در توسعه زبان گفتاری به زبان نوشتاری و سپس در قاعده‌مند کردن آن. کردها می‌توانند با نظری با همسایگان خود این نکته را دریابند. به عنوان مثال مسیونر مسیحی «مزورب ماشتوتز» حروف الفبای آمریکایی را در سال ۴۰۶ م. به منظور مستند کردن متون مذهبی در آمریکا به وجود آورد. دین اسلام، به ویژه کتاب مقدس اسلام، قرآن، که در قالب گویش قریش بیان شده است، گویش خود را به زبان نوشتاری همه اعراب تبدیل کرد.

همانطور که قبلاً اشاره شد، کردستان از دیرباز تا به امروز سرزمین ادیان مختلف بوده است. پژوهش در باب اجتماعات مذهبی تلفیقی کردی که قبلاً به آنها اشاره شد، اطلاعات مفیدی را در این مورد که در دوران گذشته «آیین مزدا» بالاتر از همه ادیان در میان کردها در کردستان رواج داشت و مورد پرستش قرار می‌گرفت، در اختیار ما قرار می‌دهد. اگر کسی با آیین زردشت آشنا باشد می‌داند که اوستا کتاب مقدس این دین است. به اعتقاد من، اوستا یک منبع قدیمی کردی است. من می‌دانم کسانی وجود دارند که با این نظر من موافق هستند. به اعتقاد من آنها که در مورد زبان کردی با جدیت و بی‌طرفی لازم مطالعه نکرده‌اند و بر آن احاطه ندارد، زمانی که آنها این کار با این زمینه انجام دهند، با من هم عقیده خواهند شد که در یک دوره‌ای در کردستان با زبان اوستایی تکلم می‌شد، از طرفی دیگر آنها به شواهد و تبیینات دیگری در مورد خاستگاه

زبان کردی دست پیدا می‌کنند که مطلقاً با موارد ذکر شده شبیه نیست. به هر حال اگر برخلاف تحقیقات محققان و پژوهشگران کلاسیک عرب و فارسی، کردها را از نسل و دودمان شجاعان تلقی نکنیم و همچنین آنها را به عنوان فرشتگان نازل شده بر روی زمین نشناسیم، باید بپذیریم که آنها از نسل مردمانی هستند که در یک زمان نامشخص در کشور باستانی «مید» زندگی می‌کردند و به طور نسبی در دوران پیشین آیین مزدا را تجربه کرده‌اند، و با زبان اوستایی تکلم می‌کردند. خوشبختانه تحقیقات اخیر دیدگاه مرا تأیید می‌کند، به ویژه تحقیقات عمادالدین دولتشاهی، از کردهای شرق، در مورد کوه‌های ناشناخته، که نام‌هایی آنها در زبان اوستایی آمده است. این پژوهشگر با مدد از تبیین زبان‌شناختی نشان داده است که این کوه‌ها، همان کوه‌هایی هستند که در کردستان امروزی قرار گرفته‌اند. [دیدگاه‌های دولتشاهی در کتاب جغرافیایی غرب ایران ارائه شده است]، من مطالعه این کتاب را که به زبان فارسی نوشته شده است؛ توصیه می‌کنم.

تنها بخش کوچکی از زبان کردی مورد کنکاش و پژوهش قرار گرفته است. برای مطالعه و پژوهش زبان کردی ما نیازمند تأسیس مؤسسه‌ای برای مطالعه کردشناسی هستیم. در هیچ کجای دنیا چنین مؤسسه‌ای وجود ندارد که به طور واقعی به کردشناسی پرداخته باشد، حتی در سه دانشگاه کردستان جنوبی (دهوک، هولیر، سلیمانیه) که به وسیله دولت کردی که اصطلاحاً اقلیم کردستان خوانده می‌شود؛ تأسیس شده و اداره می‌شوند، نه یک مؤسسه کردشناسی دارند و نه یک دپارتمان کردشناسی. در بسیاری از دانشگاه‌های اروپا (از جمله در پاریس) رشته‌های زبان، ادبیات و برخی اوقات تاریخ کرد تدریس می‌شود. در هر حال این نمی‌تواند بیانگر کردشناسی باشد. کردشناسی عبارت است از مطالعه زبان کردی و ابعاد و زمینه‌های تاریخی آن که بر مبنای اصول علمی هدایت شود. بدون مقایسه سیستماتیک (نظام‌مند) زبان کردی با زبان ایرانی قدیم، میانه، و مدرن نمی‌توان کردشناسی به معنای واقعی کلمه داشت.

دانستن این نکته مهم است که کردشناسی در عراق به ویژه در زمان رژیم بعث ممنوع بود. مطالعه زبان کردی در دانشگاه بغداد و سلیمانیه (و بعدها هولیر) مجاز بود، با این حال تلقی زبان کردی بعنوان یک زبان ایرانی یا مقایسه زبان‌شناختی آن با سایر زبان‌های ایرانی مجاز نبود، چیزی که امروز هم پرداختن به آن مجاز نیست. پرداختن به این امر به معنی تجزیه‌طلبی است. اما در حال حاضر در سه دانشگاه تحت کنترل و نظارت دولت کردستان (در اقلیم کردستان) و در نهایت در دانشگاه صلاح‌الدین مطمئناً امکانات و زمینه‌هایی برای داشتن بخش کردشناسی وجود دارد. من از وزیر آموزش و پرورش کردستان می‌خواهم که دپارتمان مطالعات کردی را از دانشکده ادبیات جدا کند و برای تأسیس دانشکده یا دانشگاه مطالعات کردشناسی اقدام کند. تفاوت «مطالعات کردی» و «مطالعات کردشناسی» باید برای کسانی که در این زمینه کار می‌کنند مشخص

شود.

اجازه بدهید به موضوع خودمان، یعنی پی بردن به اینکه چگونه زبان کردی از سنت شفاهی به زبان نوشتاری تبدیل شد برگردیم. جنبش جنگجویان عرب تحت لوای اسلام، مدت زمان کوتاهی بعد از فوت حضرت محمد (ص)، موفق به برانداختن امپراطوری ساسانی و بیزانس شد. کردهایی که در این قلمروها زندگی می‌کردند در مرکز این نمایش جنگی قرار گرفتند. مقاومت کردها در مقابل دین جدید قرنها به طول انجامید، اما به تدریج محرومان کرد به دین اسلام گرویدند. همچنانکه قبلاً یادآوری کردم، در دورانی که زبان کردی مورد بی‌مهری روشنفکران کرد قرار گرفته بود، شاعر و فیلسوف بزرگ کرد احمد خانی (۱۷۰۶/۷-۱۶۵۱/۵۱) «شکسپیر کردها»، سیصد سال پیش داستان کوتاه «مم و زین» را نوشت. او به انتقاد از کردهای دانش‌آموخته می‌پرداخت و از اینکه کردها «یتیم و بی‌سرپرست» شده بودند و از زبان کردی فراموش شده‌ی «مس‌اندود» به سختی شکایت داشت (در مقایسه اطلاق طلا به زبان غنی).

کردهایی که اسلام را به عنوان دین خودشان نمی‌پذیرفتند، دیدگاه متفاوتی در مورد زبان و فرهنگ کردی داشتند. واقعیت زیر ارزش یادآوری و بازگویی را دارد: حاکمان عرب اسلامی که کردستان را اشغال کردند، مدت زمان کوتاهی آیین زردشت را به عنوان «دین کتاب» به رسمیت شناختند، در حالی که بر علیه آیین مزدایی صف‌آرایی کردند و آن را بدعت خواندند. آن دسته از کردها که به عقاید دینی قدیمی پایبند ماندند، مجبور شدند اعمال عبادی و اعتقادی خود را مخفی نگه دارند. ادیان تلفیقی کردی که قبلاً در مورد آنها بحث شد، در حال حاضر در کردستان به رسمیت شناخته شده‌اند (ایزدی، یارسان و...).

کردهای مسلمان، عربی را به عنوان زبان مذهبی خودشان پذیرفتند، ضمناً، زبان کردی را به عنوان وسیله اصلی روابط اجتماعی در زندگی روزانه به کار می‌بردند. از طرف دیگر، کردهای غیر مسلمان، آنهایی که به آیین‌های عبادی و اعتقادی مختلف خود پایبند هستند، هنوز از زبان کردی برای سنت‌ها و آیین‌های مذهبی خود بهره می‌گیرند. در مورد نوشتن با خط (الفبای) نوشتاری ویژه می‌توان به ایزدی‌ها اشاره کرد، آنها الفبای رمزی خود را توسعه دادند و کتابهای مقدس خود جلوه^۱ و مصحف رش^۲ (کتاب سیاه) را به وسیله آن نوشتند. سایر اجتماعات مذهبی به عنوان مثال نظیر یارسان، برای آوا نویسی سرودهای مذهبی از الفبای عربی در شکل فارسی آن استفاده می‌کردند. همچنین تلاش کردهای غیر مسلمان در پیوند جزم‌گرایانه خود با ریشه‌ها

1- کتاب جلوه اصول و قواعد مذهبی ایزدیه را بیان میکند (مترجم)

2- مصحف رش حاوی دستوراتی درباره‌ی امور ملت ایزدی و رفتار با غیر ایزدیه و چگونگی خلق زمین و آسمان... می‌باشد

(مترجم)

[خاستگاه]، زبان و کشور خود موفقیت آمیز بود. در زیر به چند مورد اشاره می‌کنیم:

ایزدی‌ها معتقدند که، آنها از نطفه آدم خلق شده‌اند، با این توضیح که آدم دو جنسی بود (وجود دو حالت زنانگی و مردانگی توأم) در حالی که همه مردمان دیگر حاصل ازدواج آدم و حوا بودند. دهکده «لالیش» بر بالای کوه «ایو نیموس» (واقع در منطقه شیخان در کردستان مرکزی) برای ایزدی‌ها مقدس است، زیرا آنها معتقدند که این کوه اولین مکان اقامت خداوند بود، بعد از اینکه خداوند سه هزار سال در یک کشتی در دریا [سرگردان] بود. بر اساس عقاید ایزدی‌ها، خداوند در بهار هر سال و همزمان با جشن سال نو که معمولاً در اولین چهارشنبه آوریل برگزار می‌شود با اجتماع ایزدی‌ها ملاقات می‌کند. این ملاقات به منظور بحث در مورد وقایع سال آتی و همچنین دادن اخبار سال نو به جهان و ساکنان آن و بستن قرارداد در زمینه «پرداخت عوارض» یا مالیات با آنها صورت می‌گیرد: خداوند با زبان کردی با آنها صحبت می‌کند.

فداییان یارسان تا اندازه‌ای خود را شبیه نور می‌پندارند. آنها معتقدند که اجتماع مذهبی آنها تنها اجتماع مذهبی است که «رازهای فاش نشدنی» خداوند را در اختیار دارد. حضرت محمد پیامبر مسلمانان از گفتن این رازها به آنها دریغ کرده است، اما فرشته «پیر بنیامین» بزرگ از «هفت فرشته» یارسان، کسی که بعنوان «همزاد» خداوند انجام وظیفه می‌کند، این رازها را از خداوند دریافت کرده و آنها را به زبان کردی به فداییان یارسان منتقل کرد، بدین ترتیب زبان کردی به یک زبان مقدس تبدیل شد. گذشته از این، برخی شخصیت‌های اسطوره‌ای در عقاید مذهبی یارسان نظیر «باب نواز» و سلطان سهاک^۱ (هر دو شخصیت تجسم وجود خداوند هستند) وجود دارد، و همچنین بر اساس عقاید آنها کردستان زادگاه خداوند «Dayirak» است. مادر خدا، کسی که سلطان سهاک را به صورت «آبستن مقدس» [بکرزایی] به دنیا آورد، یک دوشیزه کرد متعلق به قبیله جاف است.

هانلور کوهلر کسی که به طور علمی در مورد دیدگاه کردها در مورد خودشان تحقیق کرده است، در بررسی‌ها و مطالعات برجسته خود که به عنوان رساله دکتری برای دانشگاه «Freie» برلین انجام داده، نشان داده است که ایزدی‌ها، یارسان و اجتماعات مذهبی مشابه در کردستان، گروه‌های کردی با درجه بالایی از «خودگرایی» هستند. او معتقد است که این نمونه‌ها از گروه‌های متعصب و جزم‌گرایی که ذکر آنها رفت یک واکنش ناخودآگاه به فرضیات اهانت آمیزی است که به وسیله اعراب در رابطه با خاستگاه و منشاء کردها بیان شده است. اعراب، همان طور که قبلاً هم اشاره شد، برای توجیه برچسب «شهروندان درجه دوم» و «زبان درجه

۱- سلطان اسحق که در زبان محلی سلطان سهاک تلفظ می‌شود، پسر شیخ عیسی برزنجی از سادات موسوی است. اهل حق ظهور سلطان اسحاق را در اواخر قرن هفتم هجری (پیر دیوری) می‌نامند و او را مقنن و مجدد آیین حقیقت گفته‌اند (مترجم).

دوم» در ارتباط با جایگاه و موقعیت کردها و زبانشان از تبیینات خیالی بهره می‌گیرند.

پایه‌گذاری اسلام و توسعه آن در کردستان در قرن هفتم میلادی به نقطه عطف مهم در تاریخ کردی بدل شد. در این دوره اجتماعات مذهبی تلفیقی کردی قبل از هم‌زبانان مسلمانان برای ایجاد زبان نوشتاری از زبان محاوره‌ای ناب اقدام کردند. زیرا در میان کردها اجتماعات مذهبی تلفیقی زیادی وجود داشت و مؤسسه‌ای هماهنگ کننده وجود نداشت. هر اجتماع مذهبی، سنت‌های مذهبی خود را که به صورت شفاهی منتقل شده بود با گویش و الفبای محلی به صورت مکتوب درمی‌آورد. بدین ترتیب سنت‌های نوشتاری مختلف توسعه یافت. گویش «گورانی» در این راستا نقش ویژه‌ای را ایفا کرد؛ قدیمی‌ترین متون کردی دوره اسلامی که به دست ما رسیده‌اند و متونی که بیشتر مذهبی هستند، با این گویش نوشته شده‌اند. از جمله این متون می‌توان سرودهای مذهبی مقدس یارسان تحت عنوان «بهلول» را نام برد که هفتصد سال بعد از مرگ مسیح به صورت مکتوب در آمد. نوشتن متون مذهبی یارسان در همین حول و حوش زمانی شروع شد و تا قرن شانزدهم ادامه یافت. این متون به صورت کتابهای مستقل در می‌آمد، به نظر می‌رسد که مهمترین آنها «دفتر پیر دیوری» [کتاب پیر دیوری] باشد، زیرا حدس زده می‌شود که به وسیله سلطان سهاک نوشته شده باشد. بیشتر این متون به صورت نثر مسجع نوشته شده‌اند، و همه آنها در یک کتاب واحد تحت عنوان «سرانجام» جمع‌آوری شده است. همچنین، سرانجام شامل مقداری نوشته‌های مثنوی است که بیان‌گر تاریخ پیدایش فرقه مذهبی یارسان است. قسمتی از متون مثنوی به عنوان «کلام» شناخته می‌شود. نثر مسجع موزون برای مشخص شدن آهنگین بودن آن باید با صدای بلند خوانده شوند. بعضی از قسمت‌های «سرانجام» به وسیله محقق کرد «صدیق صفی‌زاده بوره‌کی» که در تهران ساکن است منتشر شده است. او «سرانجام» را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و قسمتهای محدودی از آن را به فارسی ترجمه کرده است.

دین یارسان، بیش از چندین قرن، دوره‌ای از شکوفایی را در کردستان به ویژه در امیرنشین اردلان تجربه کرد. این امیرنشین به وسیله «باوا اردلان» در قرن چهاردهم تأسیس شد. مناطق قره‌داغ، خانقین، کرکوک که قبلاً زادگاه کردهای گوران بودند، همه آنها به این امیرنشین تعلق داشت. «شهرزور» پایتخت این امیرنشین بود، مردم این شهر امروزه با کردی کرمانجی میانه (که اصطلاحاً سورانی هم نامیده می‌شود) تکلم می‌کنند. بدین علت که مذهب رسمی این امیرنشین بزرگ یارسان بود و همچنین بدین علت که این مذهب با گویش گورانی مرتبط بود، گورانی به زبان رسمی کردها در سرتاسر منطقه وسیعی از کردستان تبدیل شد. واقعیت این بود که «یارسانی» یک دین اجتماعی بود، به همین سبب نقش تأثیرگذاری داشت. فدائیان یارسان از تعدادی از فقیرترین اقشار اجتماعی کردها تشکیل شده بودند به همین دلیل برخی از کردهایی که با کرمانجی میانه تکلم

می کردند، این گویش را نیز به کار می بردند. گمان می رود که سلطان سهاک، خداوند یارسان، از اهالی شهر «برزنج» بوده باشد، که مردم آن در گذشته و همچنین امروز نیز با زمان کرمانجی میانه (سورانی) تکلم می کنند. اگر چه مردم «برزنج» با این گویش تکلم می کردند (پیوسته بودند)، آنها یک استثناء بودند. به واسطه آموزش های مذهبی یارسان، گویش گورانی به ویژه در میان بخش های فقیر جامعه به شدت گسترش یافت. به علاوه، بسیاری از کردهای روشنفکری که خارج از قلمروهای گورانی زندگی می کردند، گورانی را به عنوان زبان نوشتاری خود پذیرفتند. اگر ما عارف بزرگ باباطاهر همدانی (۱۰۱۰-۹۳۵ م.) را به عنوان یک استثناء تلقی کنیم، کسی که اشعار معروف رباعی وی با ترکیبی از لهجه لکی، لری، و گورانی نوشته شده است، به این نتیجه می رسیم که بیشتر شاعران سرشناس یارسان در خلال قرون، اشعار خود را منحصرأ با گویش گورانی می نوشتند. این شاعران عبارتند از؛ «باوا یادگار» (در قرن هشتم در شهرزور به دنیا آمد)، «یال بگی» (۱۵۵۴-۱۴۹۳ م.) و خان الماس خانی لرستانی (۱۷۲۸-۱۶۶۲ م.)، دو نفر آخر به دلیل پیش گویی هایشان در مورد ایران، شرق و جهان مشهور شده اند. بسیاری از شاعران کرد سرشناس مسلمان، در قرون اخیر با گویش گورانی شعر می نوشتند؛ از جمله ملا پریشانی کرد. او یک مسلمان شیعه بود که به شدت با عقاید یارسان و دراویش مخالف بود. سایر شاعران نظیر «صیدی هورامی» (۱۸۴۲-۱۷۸۴)، ملا عبدالرحیم مولوی تاوه گوزی (۱۸۸۲-۱۸۰۶) شایسته است که نامشان ذکر شود. این دو نفر از شاعران سرشناس کرد و مسلمان سنی هستند. شایسته یادآوری است که مسلمانان سنی و دراویش کرد خصومت شدیدی با دین یارسان داشتند. وجود جمعیت زیاد سنی در میان کردها و همچنین تعداد زیادی از فرقه های دراویش، نتوانست مانع رشد و شکوفایی گویش گورانی شود. شکوفایی ادبیات در امیرنشین اردلان با نشو و نمایی رو به رشد موسیقی همراه بود. موسیقی یک عنصر ذاتی سنت فرهنگی اجتماع مذهبی یارسان بود. در همین رابطه، این مسأله شایسته توجه است که کردها در شرق و جنوب کردستان، جایی که فرهنگ گورانی گسترش یافته بود، ترانه ها را «گورانی» می نامند. به طور طبیعی رنسانس فرهنگی و زبان شناختی گورانی، همه روشنفکران کرد را سرمست و مغرور کرد. در همین راستا، خانای قبادی (۱۷۵۹-۱۷۰۰) شاعر بزرگ کرد، کسی که به طور حتم در زبان و ادبیات فارسی وارد بود، در یک شعر کردی این مسأله را نشان می دهد:

گر چه می گویند فارسی شکر است

کردی برایم بس شیرین تر است

معلوم است نزد دنیای بد اندیش

خشنود است هر کس به زبان خویش

امیرنشین مقتدر اردلان شایسته سپاس و قدردانی است، چون دین یارسان و زبان مقدس گورانی کردی را در همه جای کردستان توسعه داد. اگر چه، امیرنشین‌های کرد قدرتمند دیگر به مذهب سنی وفادار ماندند، و با آنان که به آیین یارسانی اعتقاد داشتند مخالفت می‌کردند، بسیاری از کردها به دین یارسانی گرویدند.

در قرن شانزدهم خشونت و افراطی‌گری مذهبی و همچنین تحول سیاسی در کردستان، سرنوشت دین یارسان، زبان کردی و مردم کرد را تحت تأثیر قرار داد. ما می‌دانیم که سلسله عثمانی که در پایان قرن بیستم پایه‌گذاری شده بود و مذهب اسلامی سنی پایبند بودند، با نام مذهب برعلیه سایر مذاهب وارد جنگ شدند، که شامل مسیحیان و مسلمانان شیعه مذهب می‌شد. در اوایل قرن شانزدهم شاه اسماعیل صفوی که قبلاً به آن اشاره شد، یک سلسله شیعه را در ایران پایه‌ریزی کرد و خود در صدر این سلسله مذهبی قرار گرفت. هر دو این سلسله‌ها (عثمانی و صفوی) با بی‌رحمی پیروان مذهب مقابل را مورد آزار و شکنجه قرار می‌دادند با توجه به این امر که امیرنشین‌های کرد دارای مذهب سنی و صفوی شیعه‌مذهب بودند، به نوبه خود دشمنان عقیدتی همدیگر بودند، عثمانی‌ها برای اتحاد و هم‌پیمانی با کردها مشکل کمتری داشتند. با همکاری نظامی کردها، عثمانی‌ها به دولت صفویه حمله کردند و پایتخت آنها (تبریز) را تسخیر و ویران نمودند. اخوت و برادری میان کرد و ترک منجر به عقد یک پیمان سیاسی شد. در نهم آگوست ۱۵۱۵ میلادی عثمانی‌ها و شاهزاده کرد یک معاهده را امضاء کردند، آنها بر همبستگی دو منطقه در مقابل نفوذ بیگانگان توافق کردند. بنا بر این پیمان، بنیانی برای نحوه تعامل با کردها برای امپراطوری بعدی عثمانی بود. معاهده شامل یک بند در مورد تضمین استقلال داخلی مناطق کردنشین بود، بندی که سلطان عثمانی به آن وفادار نماند. دانستن این نکته جالب است که برخلاف عداوت و خصومت مذهبی دو طرفه، عثمانی‌ها و صفویه بعدها به منظور نابودی و برانداختن حاکمیت امیرنشین‌های کرد با هم همدست شدند، در همین راستا، آنها (عثمانی و صفویه) نمایندگان خود را برای حفظ موقعیت سلطه خود به فرمانروایی کردستان برگزیدند. در سال ۱۶۳۹ عثمانی‌ها و صفویه متحد شدند، بر اساس معاهده «زهاب»^۱ کردستان را میان خود تقسیم کردند. به علاوه طرفین تلاش کردند که شاهزاده‌های کرد را بر علیه یکدیگر بشورانند.

امیرنشین اردلان، که به لحاظ مذهبی پایبندی به مذهبی سنی و شیعه نداشت، در موقعیت بسیار خطرناکی قرار گرفته بود. و به منظور محافظت از خود مجبور به امضای موافقت‌نامه‌هایی هم با پادشاه ایران و هم با سلطان عثمانی شدند. در چنین موقعیتی، توسعه بیشتر دین یارسان و زبان کردی گورانی در کردستان قابل تصور نبود.

1 -Zahaw (Zuhab)

شایسته ذکر و یادآوری است که فشار ایران و عثمانی بر کردها پیامدهای دیگری نیز داشت. کردهای روشنفکر در امیرنشین‌های کردی که حالا به سلطان عثمانی وابسته بودند، احساس ناسیونالیستی شدیدی را توسعه دادند. این امر باعث تقویت زبان و فرهنگ کردی شد. در قرن شانزدهم، گویش کرمانجی شمال به یک زبان نوشتاری تبدیل شد. این فرایند از امیرنشین شمالی بوتان آغاز شد، و به تدریج به بقیه بخش‌های شمالی کردستان گسترش پیدا کرد. کردهای دانش‌آموخته در آنجا علاقه خود را به فرهنگ و زبان کردی، و به تقویت و غنی‌سازی آن ابراز داشتند. بدین ترتیب سنن ملی خود را گسترش دادند. یادآوری این نکته در ارتباط با کتاب «شرفنامه» حائز اهمیت است (۱۵۹۶/۹۷)، که به وسیله شاهزاده و محقق کرد شرف‌الدین بتلیسی (۱۶۰۳-۱۵۴۳ م.) نوشته شده است. اگر چه او این اثر را به زبان فارسی نوشت اما درون‌مایه داستان‌گونه و جالب توجهی دارد. آن کتاب در مورد تاریخ امیرنشین‌های کردی است و اطلاعاتی درباره آداب و رسوم و سنت‌های کردی به دست می‌دهد. در این اثر، اسامی بسیاری از خان‌های کرد و قهرمانان اسطوره‌ای کرد نظیر رستم و گرگین آمده است. نکته قابل توجه آن است که شرف‌نامه مرزهای کردستان را مشخص می‌کند، و کردستان را به مانند یک سرزمین واحد و یکپارچه توصیف می‌کند. زمانی که شرفنامه از زبان، ادبیات و خان‌های موروثی سخن به میان می‌آورد، تفاوت‌ها را نیز بازگو می‌کند.

نوشتن این اثر به زبان فارسی مبین این امر است، که کردهای مسلمان در آن زمان هیچ گونه سنت نوشتاری برای نوشتن زبان کردی در اختیار نداشتند. برخلاف این روند، از قرن شانزدهم تلاش‌های بیشتری در این زمینه صورت گرفت: علی ترامخی اولین کتاب گرامر عربی را در سال (۱۵۹۱/۲) به زبان کردی نوشت، همان‌طور که او اشاره کرده است، تا آن زمان دانش‌آموزان کرد منبعی قابل‌ذکری برای مطالعه به زبان عربی در اختیار نداشتند، که به عنوان یک منبع اصلی از آن استفاده کنند، این اثر بعدها به وسیله «ملا یونس هلکتاینی» بسط داده شد (وفات در سال ۱۷۸۵ م.). هلکتاینی به زبان کردی سه مقاله در مورد علم نحو عربی نوشت. «ملای جزیری» روحانی کرد مسلمان (۱۶۴۰-۱۵۷۰ م.) از جمله پیشگامان شکوفایی ادبی و زبان‌شناختی کرد بود. او اشعار کردی را هم‌تراز با اشعار بلند آوازه‌فارس حافظ شیرازی در نظر می‌گیرد. غرور و خودآگاهی ملی ملای جزیری در شعر زیر نمایان است:

«من یک گل رز از باغ بهشتی بوتان هستم

من یک شمع درخشان در شبهای تاریک کردستان هستم»

شاعرانی نظیر فقیه طیران (۱۶۶۰-۱۵۹۰ م.)، ملا احمد بتایی (۱۴۹۵-۱۴۱۴ م.) و علی حریری (۱۵۴۱-۱۴۲۵ م.) خدمات ارزنده‌ای را از طریق هنر خود به زبان کردی نمودند. با خلق اثر حماسی «مم و زین» (یک اثر

همطراز با "رمیو و ژولیت" در سال ۱۶۹۴/۵ به وسیله احمد خانی (۱۶۵۰/۵۱-۱۷۰۷) شاعر، عارف و اندیشمند ملی کرد، این تلاشها به اوج خود رسید. بعد از مرگ خانی، روحانی کرد ملا محمد بایزیدی (تولد در سال ۱۷۹۱) پیکار روشنفکری در کردستان شمالی را ادامه داد. بایزیدی به واسطه اثرش در مورد آداب و سنن قبایل کرد و هنجارهای اجتماع کردی شناخته شده است.

بدین ترتیب در کردستان دو گونه زبان نوشتاری وجود داشت: گورانی در شرق و جنوب و کرمانجی در شمال. به طور کلی عواملی نظیر عدم یکپارچگی کردستان و تقسیم‌بندی آن به تعداد زیادی امیرنشین، فقدان یک دولت یکپارچه یا قدرت مرکزی، عدم حضور یک مذهب مشترک، رویه‌ی سیاسی حاکمان عثمانی و ایران که بر دشمنی شاهزاده‌های کرد تأکید داشت، باعث شد که کردها فرصتی برای ساختن یک زبان رسمی نوشتاری از میان دو گویش اصلی کردی پیدا نکنند، علاوه بر این، قدرت جدیدی که در قرن هیجدهم در کردستان ظهور کرد، به یکباره موقعیت گورانی را تا حد یک زبان شفاهی صرف تنزل داد. در اواخر قرن نوزدهم، امیرنشین اردلان برای رهایی از نفوذ عثمانی با پادشاهان قاجار متحد شد. بعد از این رویداد، عثمانی‌ها از متحد و هم پیمان خویش شاهزاده‌ی بابان درخواست کردند تا از آنها بر علیه شاهزاده‌های اردلان حمایت کنند. بابان‌ها به آسانی می‌توانستند قلمرو اردلان را اشغال کرده و قلمروی امیرنشین خود را توسعه دهند. بدین علت که بابان‌ها با زبان کرمانجی میانه (سورانی) تکلم می‌کردند، این لهجه فرصت گسترش چشمگیری بدست آورد، به ویژه بعد از اینکه ابراهیم پاشا، شاهزاده بابان شهر سلیمانیه را در سال ۱۷۸۴ بنا نهاد و آنرا پایتخت خود قلمداد کرد. قرن نوزدهم شاهد شکوفایی لهجه کرمانجی میانه سلیمانیه‌ای بود. بزرگترین شاعران و نویسندگان که با گویش سورانی کار می‌کردند، که اخیراً موقعیت یک زبان نوشتاری را به دست آورده بود، عبارتند از: محوی (۱۸۳۰-۱۹۰۴)، کردی (۱۸۱۲-۱۸۵۱)، سالم (۱۸۶۹-۱۷۸۰)، نالی (۱۸۵۷/۵۸-۱۸۰۰)، شیخ رضا طالبانی (۱۸۳۷-۱۹۰۹)، وفایی (۱۸۴۴-۱۹۱۴)، کویی (۱۸۱۷-۱۸۹۶)، سالم سنه‌یی (۱۸۴۵-۱۹۰۹).

اگر چه گویش کرمانجی میانه سلیمانیه به یک زبان نوشتاری فرا منطقه‌ای تبدیل شد، ولی می‌توان گفت که «گویش مادری» بیشتر شعرای بزرگ کرد گورانی بود. مناطق مهم کردهای گورانی عبارتند از: کرکوک، کفری، اطراف رودخانه سیروان، خانقین، قره‌داغ و قبایل جباری، طالبانی و زنگنه از جمله قبایل متعدد گوران هستند که گویش اصلی گورانی را رها کردند. بدین ترتیب، این گویش زیبا و غنی موقعیت خود را به عنوان یک زبان ادبی در شرق و مرکز کردستان از دست داد و همان طور که سعید خان کردستانی اشاره کرده است به زبان پیر زنان گوشه و کنار کوچه‌های سنندج تبدیل شد. گویش جدید سلیمانیه از ترکیب گویش شهرزور، گویشی که متعلق به کردهای اردلان بود و گویش قلا چوالان بوجود آمد. قلا چوالان آخرین پایتخت

شاهزاده‌های بابان بود. کردهای سلیمانیه علاقمند به تداوم توسعه آن بودند. امروزه، برجسته‌ترین شاعران و نویسندگان منطقه گوران با گویش سلیمانیه می‌نویسند؛ از جمله این افراد می‌توان از روحانی سرشناس کرد ملا عبدالکریم مدرس و پسرانش محمد و فاتح یاد کرد. این نکته بیشتر شایسته یادآوری است که بزرگترین نوآور عرصه شعر، شاعر بزرگ دوران مدرن کرد، عبدالله گوران (۱۸ نوامبر ۱۹۶۲-۱۹۰۴/۵) با گویش سلیمانیه می‌نوشت. پیامد سرکوب خیزش‌های ملی کرد بر علیه قدرت مرکزی و امپراطوری عثمانی در میانه قرن هجدهم و فروپاشی همه امیرنشین‌های کرد نظیر امیرنشین قدرتمند بوتان، تضعیف گویش کرمانجی شمال در منطقه جنوب و شرق کردستان بود. گویش یاد شده به عنوان زبان نوشتاری کردهای شمال که با گویش کرمانجی شمال تکلم می‌کردند، باقی ماند؛ و به وسیله روشنفکران کرد و مؤسسات فرهنگی که در اواخر قرن نوزدهم به وسیله کردهای متکلم به گویش کرمانجی تأسیس شده بودند، توسعه داده شد. انتشار روزنامه کردستان برای اولین بار در سال ۱۸۹۸ از جمله این فعالیت‌ها بود که در جهت توسعه این گویش صورت گرفت. بعد از تقسیم بی‌رحمانه و خشونت آمیز کردستان - به عنوان پیامد جنگ جهانی اول - زبان کردی با وضعیت استعمار نو مواجه شد. متفقین (بریتانیای کبیر و فرانسه) مانع از آن می‌شدند که کردها یک دولت مستقل را تشکیل دهند. کردستان میان پنج کشور جدید که به وسیله قدرت‌های برتر و در راستای استراتژی‌ها و منافع اقتصادی آنها بوجود آمدند یا با آن موافق بودند، تقسیم شد؛ ترکیه، ایران، عراق، سوریه و آذربایجان شوروی.

دولت‌های ملی جدید که تحت کنترل ترک‌ها، عرب‌ها و فارس‌ها بودند، و با مرزهای ساختگی و با کمک فاتحان اروپایی شکل گرفتند، برای استحاله فرهنگی کردها تلاش کردند، چون آنها قادر نبودند که کردها را به لحاظ نظامی نابود کنند؛ از این رو که زبان یکی از قویترین عناصر هویت ملی است، همه این کشورها که رویکرد نظامی یا سایر روش‌های غیر دموکراتیک در قبال کردها داشته و یا هنوز هم دارند، از تکلم و یا نوشتن به زبان کردی به طور کامل ممانعت به عمل می‌آوردند، یا تسامح بسیار کمی برای استفاده از آن تحت نظارت شدید به خرج می‌دادند. ترکیه (به عنوان بخشی از ترکیزه‌سازی) کاربرد زبان کردی را ممنوع کرد و کسانی که آنرا به کار می‌بردند به شدت مجازات می‌کرد. هفتاد سال ظلم و سرکوب شدید و مداوم وجدان ملی کردها را تقویت کرده است، ولی این امر مانع از توسعه و شکوفایی زبان کردی شده است. گویش کرمانجی شمال (گویش جزیره)، که علی‌رغم همه این شرایط مشکل به عنوان زبان نوشتاری کردهای شمالی به کار برده می‌شود، با برخی از مشکلات درون زبان‌شناختی مواجه بوده و هنوز هم است.

کردهای روشنفکر سوریه، به ویژه اعضای خانواده «بدرخان»، از حضور فرانسه در اداره [رأس قدرت]

سوریه و لبنان برای خدمت به زبان کردی و توسعه آن استفاده کردند. علاوه بر انتشار برخی مجلات به زبان کردی نظیر هاوار، ستاره (نستیره)، روزانو و روناھی، جلادت بدرخان (۱۸۹۶-۱۹۵۱) یک نوع الفبای لاتین را برای زبان کردی (گوش کرمانجی شمال) توسعه داد، که هنوز هم کردهای متکلم به زبان کرمانجی شمال از آن استفاده می کنند. این الفبا اشکالات متعددی دارد، به ویژه در مورد آواهای ویژه‌ای که در سایر گویش‌ها وجود دارد، اما در این الفبا ما به ازاء نوشتاری ندارد. [...] به هر حال، زمانی که فرانسه این منطقه را ترک کرد، همه این مجلات و فعالیت‌ها ممنوع شدند. فرانسه جنوب غرب کردستان را بدون هیچ تضمینی برای حفظ حقوق کردها در مقابل دولت ملی عرب تازه تأسیس سوریه ترک کرد.

کردهای عراق بیشتر از سایر همزبانان خود در دولت‌های همسایه در راستای رشد و توسعه زبانشان فعال بودند. بعد از جنگ جهانی اول کردهای جنوب به وسیله شیخ محمود برزنجی (اکتبر ۱۹۵۶-۱۸۸۲/۹) یک سیستم پادشاهی را بنیاد نهادند. در ابتدا شیخ محمود از طرف قوای اشغالگر بریتانیا در بغداد به عنوان حاکم کردستان جنوبی به رسمیت شناخته شد. وقتی که مردم شیخ محمود را به عنوان شاه کردستان برگزیدند، این امر منجر به درگیری میان نیروهای بریتانیا و کردها شد، و کردستان جنوب به وسیله نیروی نظامی بریتانیا به یکی از کشورهای ملی عرب تازه تأسیس شده یعنی عراق ضمیمه شد. در خلال تقریباً پنج سال از حاکمیت شیخ محمود بر کردستان، کردهای دانش‌آموخته برای توسعه زبان کردی تلاش کردند. دولت کرد، تعدادی روزنامه به زبان کردی منتشر کرد، و تعدادی مدارس کردی برای دختران و پسران دانش‌آموز تأسیس کرد. نیروهای اشغالگر بریتانیا نیز روزنامه‌های وابسته به خودشان را به زبان کردی منتشر می کردند: «تیگه‌یشتن راستی» (درک حقیقت) و «پیشک‌وتن» (پیشرفت). دو مرد انگلیسی به نام‌های «ماژور سوان» و «ماژور نوول» که از اعضای نیروهای اشغالگر بریتانیا بودند، در رشد و گسترش زبان کردی سهیم بودند. ماژور سوان یک کتاب در مورد دستور زبان کردی و همچنین یک کتاب درسی به زبان کردی نوشت. او حتی به کردهایی که می توانستند مقاله‌ای به زبان کردی برای روزنامه «پیشک‌وتن» بنویسند پول می داد، مقالاتی که برای همه خوانندگان روزنامه قابل فهم باشند، ضمن اینکه در آنها از لغات کردی مناسب و معیار استفاده شده باشد. زبان رسمی گویش سلیمانیه بود. به دنبال تأسیس «پادشاهی عراق»، «قانون زبان محلی ۱۹۳۱» مقداری حقوق فرهنگی به مردم کردستان جنوبی ضمیمه شده به عراق اعطا می کرد، که در هر حال این قانون به طور کامل به اجرا در نیامد. علی‌رغم این مسئله، کردهای روشنفکر برای غنی‌سازی و توسعه زبان کردی تلاش می کردند. گام اول اصلاح الفبای رایج عربی-فارسی، با هدف ایجاد یک نظام الفبای فنوتیک مدرن برای زبان کردی بود، که توان بیان و نگارش تمام آواهای زبانی را داشته باشد. به منظور انجام این امر، افزودن علائم و تکیه‌های

زبانی ویژه، برای نگارش آواهای ویژه زبان کردی که در زبان عربی وجود ندارد، ضروری می‌نمود. کلنل توفیق وهبی (۱۸۹۱-۱۹۸۴) واژه‌شناس و از مقامات ارتش، از پیشگامان این حرکت بود. زمانی که تلاش چشمگیر علمی وی در تقابل با قوانین مدون ملی گرایانه عربی وزارت فرهنگ عراق قرار گرفت، فعالیت وی با ممنوعیت مواجه شد. دلیل این امر این بود که هیچ «علائم خارجی» یا حروف کردی نمی‌توانست جایگزین حروف عربی مقدس شود، حروفی که قرآن با آن نوشته شده بود. این نکته شایسته یادآوری است که حروف الفبای رایج عربی به لحاظ ریشه‌ای نه عربی و نه اسلامی بود. این حروف در دوره قبل از اسلام وجود داشتند، و منشاء آن الفبای آرامی قدیم می‌باشد، به عنوان مثال از زبان باستانی یهود مشتق شده است. افزون بر این مطبوعات کردی و کتب درسی مدارس ابتدایی که توسط دولت عراق منتشر می‌شد از این الفبا استفاده نمی‌کردند، الفبایی که نو شده و سازگار با زبان کردی بود، در میان کردها هم ناشناخته بود.

وهبی در زمان حیات خود می‌خواست کار دیگری نیز انجام دهد. این کار، تنظیم الفبای لاتین برای نگارش زبان کردی بود که مبنای زبان‌شناختی آن زبان انگلیسی بود. تلاش‌های وی ناموفق بود، زیرا دولت عراق مباحث مذهبی اسلامی نظیر ممنوعیت انتشار الفبای «مسیحی-اروپایی» در عراق مسلمان را تبلیغ می‌کرد. در همین ارتباط، این نکته را باید یادآور شوم که وهبی عهده‌دار هشت پست وزارتی در دولت عراق بود. لازم به ذکر است که حروف الفبای لاتین وهبی، نظیر حروف الفبای لاتین بدرخان (که الفبای وی کمتر بر کاربرد زبان‌شناختی انگلیسی متکی بود و به جای آن بر الفبای فرانسوی و ترکی تکیه داشت) مشکلات متعددی داشت. ذکر این نکته ضروری است که اگر این دو پژوهشگر در این زمینه با هم همکاری می‌کردند، شاید امروز مردم کرد نیز یک نظام الفبای لاتین بهتری داشتند.

در عراق همه مطبوعات، رادیو و انتشارات کردی تا زمان سقوط سیستم پادشاهی در چهاردهم جولای ۱۹۵۸، منحصرأ با گویش سلیمانیه کار می‌کردند، که آن به اشتباه «کردی سورانی» نامیده می‌شد. بی‌توجهی «کردهای سورانی» به گویش کرمانجی شمال (که در عراق بادینانی) گفته می‌شود باعث شد که کردهای متکلم به گویش کرمانجی شمال از آموزش زبان و همچنین مطبوعات کردی دور افتند. دولت عراق به سهم خود، به منظور ایجاد شکاف میان کردها و همچنین تحکیم موقعیت حکومت خود در میان آنها به تداوم این وضعیت بحرانی دامن می‌زد.

یادآوری این نکته در این ارتباط ضروری است که کردهای ایران تحت تأثیر توسعه زبان کردی در عراق قرار داشتند. این مسأله با این واقعیت مرتبط است، که از همان اول، کردهای عراق یک رابطه سیاسی قوی با همزبانان کرد عراقی خود داشتند. علاوه بر این، ارتباط نزدیکی میان گویش‌های کردستان ایران (مکری،

اردلانی، لکی و کرمانشاهی) و «گوش سورانی» عراق وجود دارد. به علاوه کردهای ایران از الفبای مشابه با کردهای عراق استفاده می‌کردند. از الفبای اصلاح‌شده شرقی برای اولین بار در سال ۱۳۴۵ شمسی (۱۹۶۶-۶۷) برای چاپ یک «برگزیده اشعار» استفاده شد. این امر پیشتر به دلیل فشار سیاسی بیش از حد و همچنین هزینه‌های بالای اقتصادی امکان‌پذیر نبود. به دلیل اینکه کردهای عراقی که با گوش سورانی کار می‌کنند، از لغات، اصطلاحات و واژه‌شناسی کردهای ایران به ویژه گوش مکرانی بسیار زیاد استفاده می‌کنند، برخی از انواع زبان «نوشتاری معیار» در ایران و عراق به وجود آمده است، که می‌توان از آن به عنوان «کرمانجی میانه» یاد کرد.

موقعیت زبان کردی در زمان اتحاد جماهیر شوروی نباید مورد غفلت قرار گیرد. در دوره حاکمیت لنین و تا پایان دهه ۱۹۲۰، منطقه محل سکونت کردها دارای حاکمیت خود مختار بود. و بعنوان «کردستان سرخ» شناخته می‌شد. در اوایل در این منطقه برای «نوشتن» از حروف الفبای آمریکایی و بعدها از الفبای لاتین استفاده می‌شد؛ بعد از آنکه موقعیت خود مختار «کردستان سرخ» از دست رفت و به آذربایجان ضمیمه شد، رژیم استالین و کارگزاران قدرتمند آذربایجان، کردها را مورد آزار و اذیت قرار دادند. واژه کرد و همچنین تکلم به زبان کردی در آذربایجان قدغن شد. در میان هشت جمهوری شوروی که در آن زمان کردها در آنها زندگی می‌کردند، فقط روسیه و ارمنستان زمینه‌ای برای رشد و شکوفایی زبان کردی را فراهم کردند. کردهای دانش آموخته در هر دو جمهوری برای توسعه زبان کردی تلاش می‌کردند، اگرچه در هر دو جمهوری، آنها مجبور بودند از «الفبای سیریلیک» برای نوشتن زبان کردی استفاده کنند. با وجود این می‌توان گفت که کردهای ایران، عراق، سوریه و همچنین تماس با کردهای همسایه در کشور ترکیه توانستند یک زبان نوشتاری زیبا بر اساس گوش کرمانجی شمال و همچنین برخی از ویژگیهای گوش کرمانجی میانه به وجود آورند. به منظور رسیدن به یک ایده کلی و نتیجه‌گیری، به زندگی خصوصی خودم وارد می‌شوم و علاقمند هستم که از این زاویه برخی عقاید و دیدگاه‌هایی را که از تجربیات شخصی‌ام گرفته‌ام، شرح دهم.

زمانی که در نیمه اول دهه ۱۹۵۰ در دانشگاه بغداد در رشته‌های فیزیک، ریاضی و علوم تربیتی تحصیل می‌کردم، از قبل می‌دانستم به هر حال روزی در مدارس متوسطه در کردستان تدریس خواهم کرد. به همین دلیل می‌خواستم زمینه را برای یادگیری بهتر دانش آموزان کرد با زبان مادری که کاملاً با آن غریبه بودند، فراهم کنم. من از قبل زمینه لازم را برای انجام این کار داشتم. پدر من یک پژوهشگر مسلمان بود، او چندین زبان را به من آموخت و من را با فرهنگ‌های مردمان همسایه آشنا کرد. من حقوق اسلامی، فلسفه و الهیات را

از او و سایر عالمان کشور آموختم، دانستن زبان عربی و فارسی و همچنین ادبیات آنها، برای انجام این مطالعات لازم بود. من خیلی زود، یعنی زمانی که هنوز یک دانشجو بودم، متوجه شدم که زبان کردی دارای مشکلات متعددی است و تا به امروز نیز باقی مانده‌اند:

۱- یک سیستم الفبایی واحد برای زبان کردی وجود ندارد. در عوض، سه نوع الفبای مختلف وجود دارد، که عبارتند از: الفبای شرقی (اصلاح شده عربی و فارسی)، الفبای لاتین و الفبای سیریلیک، الفبایی که با زبان کردی سازگار است، البته بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دیگر مجالی برای خودنمایی و توسعه زبان کردی در ممالک استقلال یافته وجود ندارد و حتی می‌توان گفت فراموش شده است. از طرف دیگر، الفبای شرقی هنوز مطرح و زنده است، هر چند دارای یک سبک قدیمی و غیر اقتصادی است، یادگیری آن کمی مشکل است و برای زبان کردی محدودیت‌های را ایجاد کرده است. الفبای لاتین برای نوشتن «زبان کردی» بسیار مناسب است، اما موانع مذهبی و سیاسی باعث ایجاد محدودیت برای به کارگیری و توسعه آن شده است. علاوه بر این، الفبای لاتین بدرخان نیازمند اصلاح است. بدین ترتیب، کردها با الفباهای متعدد می‌نویسند که این باعث ایجاد مانع برای تبادل زبانی میان خودشان شده است. من به عنوان یک دانشجو، قبلاً بر این عقیده بودم و امروز نیز همان نظر را دارم، که فقدان یک الفبای واحد و همبسته، یک فاجعه بزرگ را برای مردم کرد زده است. وجود الفبای مشترک باعث ایجاد ارتباط بهتر میان کردها و همچنین باعث سهیم شدن کردها در یک مجموعه گویش‌ها و الگوهای بیانی متعدد و همگرا خواهد شد. من در اینجا از یک همگرایی و نه یک اتحاد مطلق سخن می‌گویم. یک زبان واحد نیازمند دستور زبان واحد است که امروز به هیچ وجه وجود ندارد. بعد از آن، مسئله بسیار مهم، وجود یک الفبای واحد است. من معتقدم، قبلاً نیز همین اعتقاد را داشتم، که الفبای لاتین باید اصلاح شده و استفاده از آن تشویق شود. تشویق به نوشتن زبان کردی با الفبای لاتین و توسعه آن، به این معنی نیست که الفبای شرقی به طور کامل رها شود. در هر حال، وضعیت سیاسی و مذهبی اجازه این کار را نمی‌دهد. رژیم صدام حسین، «دلشاد مریوانی» مدرس کرد را به خاطر آموزش شاگردانش با الفبای لاتین به جای الفبای عربی اعدام کرد.

۲- دو نوع زبان نوشتاری وجود دارد که البته هیچ کدام به طور کامل استاندارد شده نیستند، این مشکل از دهه ۱۹۵۰ تا به امروز وجود داشته است.

۳- زمانیکه من در بغداد دانشجو بودم، زبان کردی دارای اصطلاحات تخصصی فنی و علمی نبود. بدون داشتن چنین اصطلاحاتی نوشتن کتابهای علمی به زبان کردی غیر ممکن است. ساخت و ابداع این واژگان و اصطلاحات برای یک شخص واحد تا حدی امکان‌ناپذیر است، اما متخصصان رشته‌های مختلف باید در این

زمینه با هم همکاری کنند و به توافق جمعی برسند. بر همین اساس من این ایده را از زمانی که دانشجوی بودم مطرح کردم و مشوق آن بودم. تأسیس «آکادمی زبان کردی» یک ضرورت است. با چند تن از دوستان دانشجوی در رشته‌های دیگر دانشگاهی «کمیته توسعه زبان کردی» را تأسیس کردیم. یادآور می‌شوم که نقطه نظرات سه گانه ارائه شده، در مقاله‌ای به زبان کردی تحت عنوان «آموزش زبان کردی» که در سال ۱۹۷۵ آن را در بغداد نوشتم، توضیح داده شده است.

در اکتبر سال ۱۹۵۵ در دو مدرسه متوسطه در کرکوک (کردستان جنوب) معلم دروس ریاضی و فیزیک بودم. از همان ابتدا سعی کردم با زبان مادری شاگردان تدریس کنم. تا آن زمان آموزش به زبان کردی در مدارس راهنمایی کردستان ممنوع بود؛ به همین دلیل نظام سیاسی مرا تحت فشار گذاشت و در نهایت نظام انضباطی و تنبیهی آموزش و پرورش مرا به بصره در جنوب عراق تبعید کرد. در دو سالی که در کرکوک تدریس می‌کردم زمینه را برای به وجود آوردن کتاب درسی مقدماتی فیزیک و ریاضی به زبان کردی فراهم کردم. در سال ۱۹۶۰ توانستم کتاب فیزیک مقدماتی را با زبان کردی تحت عنوان «مقدمه‌ای بر علم مکانیک و خواص ماده» منتشر کنم.

در تابستان ۱۹۵۶ به سوریه و لبنان سفر کردم در آنجا با تعدادی از روشنفکران، شعرا و نویسندگانی که با گویش کرمانجی کار می‌کردند، ملاقات کردم.

عثمان صبری (۱۹۰۵-۱۹۹۳)، قادرجان (۱۹۱۶-۱۹۷۲)، مادام روشن بدرخان، احمد نامی و از جمله این افراد بودند، ما درباره تأسیس «آکادمی زبان کردی» و تلاش برای عملی کردن این ایده، همچنین در مورد ایجاد الفبای واحد در زبان کردی گفتگو کردیم. متن توافق‌نامه این ملاقات، با دست‌خط عثمان صبری، که اکنون در قید حیات نیست، در کتاب من با عنوان «کردی با الفبای لاتین» که در سال ۱۹۵۷ در بغداد منتشر شد، چاپ شده است. مسافرت مشابهی در تابستان ۱۹۵۷ به کردستان شرق و تهران انجام دادم. در کرمانشاه با نویسنده کرد فاتح علی حیدری زیبا جویی و در سنندج با نویسنده نامدار، روحانی کرد آیت‌الله محمد مردوخ کردستانی (۱۸۸۵-۱۹۷۵) ملاقات کردم. هر دوی آنها ابراز علاقه کردند که برای توسعه زبان کردی تلاش کنند.

آموزش زبان کردی در مدارس راهنمایی عراق با توجه دلیلی که قبلاً بیان کردم ممنوع بود بنابراین من مجبور بودم که کارم را به صورت خصوصی دنبال کنم، من توانستم تعداد زیادی از دانش‌آموزان، معلمان و دیگر افراد را با نوشتار زبان کردی با الفبای لاتین به وسیله کتاب درسی ذکر شده در بالا «کردی با الفبای لاتین» آشنا کنم. در طول سالهایی که در کرکوک به سختی کار می‌کردم، همچنین در زمان تبعید در بصره و

بعدها در بغداد، توانستم اصطلاحات کردی برای تعداد بی‌شماری از واژگان فنی در رشته‌های فیزیک، ریاضی و برخی دیگر از علوم بسازم. این واژگان فنی را در قالب دو فرهنگ لغت، جلد اول در سال ۱۹۶۰ در سلیمانیه و جلد دوم در سال ۱۹۶۱ در هولیر منتشر کردم، ضمن اینکه در دانشکده علوم تربیتی سرگرم تدریس زبان و ادبیات کردی بودم. بعد از کودتای ژنرال قاسم در چهاردهم جولای ۱۹۵۸ و تأسیس جمهوری عراق، مؤسسات آموزشی در کردستان، می‌توانستند از زبان کردی استفاده کنند. از پایان دهه ۱۹۶۰، شیمی‌دان کرد، کمال جلال غریب که متأسفانه امروز در میان ما نیست، این کار را با نهایت موفقیت ادامه داد.

تا حدود زیادی دستیابی به زبان نوشتاری کردی واحد دور از دسترس است. دستیابی به یک زبان واحد نوشتاری بدون مطالعه و مقایسه دستور زبان گویش‌ها و شیوه‌های بیانی مختلف امکان‌پذیر نیست. برای رسیدن به این هدف، من تحقیقات شرق‌شناسی و همچنین لغت‌شناسی شرقی که شامل یک توالی سه مرحله‌ای زبان باستانی، میانه و جدید ایرانیان می‌باشد، بررسی کرده‌ام. نتایج پژوهش من در مورد مقایسه گویش‌های کردی (کرمانجی شمال و جنوب و زمینه‌های نزدیکی میان آنها) در دو کتاب منتشر شده است: ۱- زبان نوشتاری کردها، (۱۹۷۵) ۲- به سوی یک زبان کردی واحد (۱۹۷۶)، در این کتاب به منظور کمک به همه متکلمان گویش‌های مختلف کردی برای درک بهتر همدیگر، پیشنهادهای ارائه کرده‌ام.

در فاصله‌ای که این اثر منتشر شده است، برخی از نویسندگان و مؤلفان از این پیشنهادات استقبال کرده‌اند. در روش‌شناسی کار خود از پایان‌نامه «استانداردیزه کردن و درست‌نویسی زبان بلوچی» تألیف خانم «اورنیا جوهانی» بلوچ‌شناس پیروی کرده‌ام.

چه کار باید کرد؟

بدین منظور:

۱- تألیف یک فرهنگ جامع «کردی - کردی» که تمامی واژگانی را که در زبان کردی به کار می‌رود، در برگیرد. این فرهنگ لغت باید در برگرفته لغات خارجی و واژگان جدید وارد شده در همه گویش‌ها و همچنین بیانات اصطلاحی باشد. در حال حاضر با توجه به امکانات فنی الکترونیکی این امر امکان‌پذیر است، حتی در شرایطی که اکنون در آن قرار داریم.

۲- این کنفرانس بین‌المللی هر سال باید برگزار شود یا حداقل هر دو سال یکبار.

۳- مؤسسات کردشناسی باید تاسیس شود، آنها باید بر پژوهش‌های گویش‌شناسی کردی تمرکز کنند و با لغت‌شناسی کردی - ایرانی نظم جدیدی ایجاد کنند. مطالعاتی که تا به امروز در مورد زبان کردی به صورت تخصصی صورت پذیرفته است، زبان کردی را در چارچوب مطالعات ایران‌شناسی بررسی کرده است. امروز لغت‌شناسان کرد باید زبان کردی را به کانون مطالعات خود تبدیل کنند و سمت و سوی مطالعات ایران‌شناسی

را به پروژه کردشناسی تغییر دهند. رابطه مطالعات ایران‌شناسی و کردشناسی شبیه رابطه فیزیک و ریاضی است. در مطالعه فیزیک، ریاضیات صرفاً به عنوان یک وسیله کمکی به کار گرفته می‌شود. در این ارتباط، ریاضیات نمی‌تواند زیر مجموعه فیزیک باشد و این چیزی از ارزش ریاضیات کم نمی‌کند. بین کردشناسی و مطالعات ایران‌شناسی هم رابطه‌ی مشابهی وجود دارد. اگر مطالعات ایران‌شناسی در کانون توجه و علاقمندی ما باشد، کردشناسی یک نقش کمکی را برای نیل به این منظور فراهم می‌کند. اما کردشناسی بدین شیوه عملی نمی‌شود. کردشناسی صرفاً قادر به توسعه [حوزه‌های] خود است. یکی از وظایف کردشناسی پژوهش وسیع و پیگیر در مورد گویش‌های کردی توسعه‌نیافته نظیر زازا، گوران، فیلی، لکی، لری، و کلهری و... می‌باشد. به علاوه گویش‌های مشابه با زبان کردی نظیر گویش مازندرانی و نایینی که تاکنون پژوهشی در مورد آنها صورت نگرفته است؛ باید به طور کامل مورد بررسی قرار گیرند. من براین عقیده‌ام که «دامنه فراوانی» زبان کردی بیشتر از آن چیزی است که امروز تصور می‌شود.

۴- ضرورت پروژه‌ای برای تألیف یک «فرهنگ ریشه‌یابی لغات کردی» مدت‌هاست احساس می‌شود.

۵- برای پیشبرد بیشتر پژوهش‌های کردشناختی باید ارتباط علمی با آکادمی علوم و هنر کردی که در سال ۱۹۵۸ در استکهلم سوئد تأسیس شده است وجود داشته باشد.

۶- در آینده نزدیک و قابل پیش‌بینی کردها دارای کشور مستقل نخواهند بود، بنابراین باید خودشان در رابطه با مسئله زبان کردی و توسعه بیشتر آن تلاش کنند. بنابراین تنها یک راه‌حل باقی می‌ماند: یک مؤسسه برای توسعه و ارتقای زبان کردی باید به وجود آید. برای مثال، این مؤسسه باید پست‌های دانشگاهی برای کردشناسی در بسیاری از دانشگاه‌ها ایجاد کند. در چنین شرایطی، احتمالاً علاقمندی بیشتری برای کردشناسی نه تنها در کردستان و در میان کردها بلکه در اروپا، آمریکا، کانادا، اسرائیل و استرالیا وجود خواهد داشت.

* این متن به صورت سخنرانی در یک کنفرانس بین‌المللی در سال ۲۰۰۰ میلادی در شهر برلین آلمان ارائه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی